مؤلفه دوم) مخالفت رویت قبل از زوال با نظر عامه، خلاف للمشهور

عرض کردم چهار مؤلفه دارند؛ معارضه را به ترجیح روایات رؤیت قبل از زوال حل کردند. مؤلفه دوم، مخالفین سید فرمودهاند روایات مشهور «اذا رئی قبل الزوال فهو للیلة الماضیة»، روایتی است که موافق عامه است. این را مخالفین سید گفته اند. پس حرف مشهور ماکه میگوییم: وقتی قبل از زوال دیدیم فایده ندارد و مجزی نیست و باید دیشب میدیدید، مخالف عامه است. سید میگوید این چه حرفی است؟!

> **و العجب من بعض الفضلاء حیث جعل مخالفة العامّة من مرجّحات المشهور، و هو اشتباه نشأ من قلّة التتبّع لمذاهب العامّة، و کذا الترجیح بموافقة الکتاب، کما ذکره جماعة.[1]**

مشهور میگویند: اگر قبل از زوال دیدی فایدهای ندارد؛ باید دیشب میدیدید. و میگویند: این قول مشهور مخالف عامه است. یعنی عامه میگویند اگر قبل از زوال دیدی فایده دارد و مجزی است. ایشان میگویند: **«و العجب من بعض الفضلاء حیث جعل مخالفة العامّة».**

سید میگویند اینطور نیست، بلکه برعکس است. اتفاقا قول مشهور موافق عامه است. قول مشهور که میگوید رؤیت قبل از زوال مجزی نیست و باید حتماً دیشب هلال داشته باشیم، موافق عامه است. فتوای ایشان که رؤیت قبل از زوال برای ثبوت شهر و دخول شهر مجزی است، مخالف عامه است. این هم مؤلفه دوم حرف سید است.

شاگرد: عامه در اینجا بهمعنای اهل تسنن است؟

استاد: بله.

شاگرد: مخالفت عامه بهطور کلی مرجح است؟

استاد: ایشان فرمودند «جعل مخالفة العامّة»، عامه اهلسنت است. فتوای بعض فضلا موافق مشهور است که به وحید ارجاع دادهاند. فتوای آنها موافق مشهور امامیه است. مشهور امامیه میگویند وقتی قبل از زوال دیدی امروز روز اول ماه نمیشود؛ بلکه امروز روز سی ام ماه میشود. عجب این است که این بعض فضلا که طرفدار مشهور امامیه هستند، میگویند رؤیت قبل از زوال کافی

نیست و امروز سی ام است، درحالی‌که عامه خلاف این را می‌گویند. یعنی اهل‌سنت می‌گویند اگر قبل از زوال دیدی،امروز روز اول ماه هست. سی ام نیست و روز اول است. ایشان می‌گویند عامه که این را نمی‌گویند. **«و هو اشتباه نشأ من قلّة التتبّع لمذاهب العامّة»؛** ایشان به دنبالش نرفته اند تا ببینند اهل‌سنت این را نمی‌گویند که اگر قبل از زوال دیدی اول ماه هست.

شاگرد: گوی کبری را می‌گویند که تعجب است که مخالفت با عامه از مرجحات مشهور شمرده شده.

استاد: نه. اینکه نزد هر دو واضح است. هم نزد بعض فضلا و هم سید مخالفت با عامه از مرجحات است. این ارسال مسلم است. در اینکه مشکلی ندارند.

شاگرد: ایشان به این امر مسلم اشکال نمی‌کند؟ یعنی فارق از اینکه این مصداق چیست. بلکه اشاره به همان مرجحات می‌کند.

استاد: «قلة التتبع» را خودشان دارند می‌گویند. اگر فرمایش شما بود باید به این صورت می‌گفتند: «حيث جعل مخالفة العامّة من مرجّحات المشهور وليست من المرجحات». این را که نگفته اند. می‌گویند «قلة التتبع لمذاهب العامة». یعنی بحث سر این است که ایشان از مذاهب عامه مطلع نبوده. نه اینکه مخالفت عامه مرجح هست یا نیست. این را که هر دو قبول دارند. استادشان وحید به‌بهانی قبول دارند، سید هم قبول دارند. هیچ‌کدام در کبری مشکلی ندارد که آن قولی که مخالف عامه است، مرجح است. ولی در اینجا صحبت سر این است که عامه چه می‌گویند. عامه حرف سید را می‌گویند تا قول بعض فضلا درست شود؟ یا عامه حرف مشهور ما را می‌گویند تا حرف سید درست شود؟ بحث سر این است.

بنابراین سید در مؤلفه دوم بحث مخالفت با عامه را در می‌کنند. می‌گویند اتفاقا عامه موافق با مشهور گفته اند. پس حدیث رؤیت قبل از زوال مخالف عامه می‌شود.

در ادامه می‌فرمایند:

«و اعتضادها بما حكاه السيّد المرتضى عن عليّ عليه السّلام، فإنّها لا تقصر عن الرواية المرسلة»؛ حکایت سید را در شهرت و اجماع عرض می‌کنم. بعد می‌فرمایند:

«و مخالفتها للمشهور بين العامّة فتوى و رواية»؛ روایات رؤیت قبل از زوال، مخالف فتوا و روایات ِعامه است. **«فقد نقل العلّامة»؛** حرف علامه را می‌آورند تا بگویند مشهور در امامیه با مشهور اهل سنّت موافق هستند. بنابراین روایات رؤیت قبل از زوال هم مخالف مشهور عامه می‌شود و هم مخالف مشهور [خاصة] می‌شود. البته سید در ادامه می‌خواهند شهرتش را خدشه کنند.

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 7 فوریه 2026 15:22:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 15:25:09 توسط ... .